

جنایت در ایران

مقدمه

مطالعه حاضر دنباله مطالعاتی است که در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در زمینه پاتولوژی اجتماعی انجام می‌گیرد. در این مطالعه موارد جنایت که در سال ۱۳۴۱ صورت گرفته بدو دسته تقسیم گردیده است. نخست قتل‌های فردی که ۱۰۵ نفر مرتکب آن شده‌اند و دوم قتل‌های دسته جمعی که ۹۶ نفر در آن شرکت داشته‌اند. ولی ما در این مقاله تنها از جرم‌های فردی بحث می‌کنیم.

در جرم‌های فردی (جنایت) از ۱۰۵ فقره ، ۳۹ فقره در تهران ، ۴ فقره در کرمانشاه ، ۴ فقره در مشهد ، ۴ فقره در کرج و بقیه بصورت ریز در شهرهای دیگر صورت گرفته است .

روش مطالعه

برای اطلاع از وضع مجرمان در سال گذشته ، به همه مراکز که ممکن بود اطلاعاتی داشته باشند ، از قبیل وزارت دادگستری ، شهربانی ، اداره پزشکی قانونی رجوع شد ولی تنها توانستیم اطلاعاتی را که هر شب در روزنامه اطلاعات و کیهان درباره جرم ، بخصوص قتل منتشر می‌شود مورد استفاده قرار دهیم ، و چون جرم قتل بیش از سایر جرائم سروصدا دازد ، و خیر آن اکثر منتشر می‌شود می‌توان حدس زد که در این مورد آمار مندرج در جراید بالنسبه کامل باشد .

گزارش

بنابر مطالعه ما در حدود ۲۹٪ جرمها برای زنان در گروه سنی ۳۰-۳۹ سالگی رخ داده است . گروههای سنی دیگر پس از آن قرار گرفته‌اند ، برای مردان در گروههای سنی ۲۰-۳۹ سالگی حدود ۲۴٪ بیشتر از سایر گروههای سنی جرم صورت گرفته است .

در میان زنان وضع سنی ۲ نفر (حدود ۲۹٪) از ۷ نفر و در میان مردان وضع سنی ۵۶ نفر (حدود ۵۷٪) از ۹۸ نفر نامعلوم بوده است . و نیز مجرمهای کمتر از ۱۴ سال در میان مردان تنها ۳ نفر (حدود ۳٪) از ۹۸ نفر بوده‌اند و در میان زنان ۱ نفر (حدود ۱٪) از ۷ نفر بوده‌اند . و از ۱۵ سال به بالا برای مردان ۳۹ نفر (در حدود ۴۰٪) از ۹۸ نفر ، و برای زنان ۴ نفر (در حدود ۵۷٪) از ۷ نفر بوده‌اند ، نامعلوم‌ها

در میان مردان با ۵۶ نفر (در حدود ۵۷٪) و در میان زنان با ۲ نفر (حدود ۲۹٪) قابل ملاحظه است.

بنا بر مطالعه ما در میان مردان، ۵۱ نفر (حدود ۵۲٪) از ۹۸ نفر مجرم، متأهل بوده‌اند. در میان زنان ۳ نفر (حدود ۳۵٪) از ۷ نفر متأهل بوده‌اند. مجرمان مجرد در میان مردان ۱۲ نفر (حدود ۱۲٪) از ۹۸ نفر بوده‌اند. و زنان مجرد نیز ۲ نفر (حدود ۲۹٪) از ۷ نفر بوده‌اند. بقیه (برای هر دو جنس) از نامعلوم‌ها تشکیل می‌شوند.

در میان مردان مجرم، ۹۵ نفر (حدود ۹۷٪) از ۹۸ نفر مرتکب قتل شده‌اند، و تنها ۳ نفر (حدود ۳٪) مرتکب جرح شده‌اند. در میان زنان مجرم، هر ۷ نفر (۱۰۰٪) مرتکب قتل شده‌اند.

و نیز در میان مردان مجرم، تنها ۷ نفر (حدود ۷٪) از ۹۸ نفر باسواد بوده‌اند. از وضع ۷۷ نفر (حدود ۷۹٪) از جهت سواد اطلاعی در دست نیست. وضع ۶ نفر زن نیز از جهت سواد نامعلوم بوده است. در میان مردان ۱۴ نفر (حدود ۱۴٪) و در میان زنان ۱ نفر (حدود ۱۴٪) بی‌سواد بوده‌اند.

بنابر آمار ما حدود ۱۶٪ مردان در سنین ۳۰-۳۹ سالگی و حدود ۸٪ در سنین ۲۰-۲۹ سالگی متأهل می‌شوند. بقیه در مراتب پایین‌تر قرار دارند. زنان در حدود ۳۳٪ در سنین ۴۰-۴۹ سالگی متأهل شده‌اند، وضع بقیه زنان مجرد و نامعلوم بوده است.

و نیز ۳۱ نفر از مجرمان (حدود ۳۲٪) با عیال خود زندگی می‌کرده‌اند، با در نظر گرفتن اینکه ۴۴ نفر (در حدود ۴۵٪) با عیال و قوم و خویش زندگی می‌کرده‌اند. بنابر این بیشتر مجرمان با خانواده زندگی می‌کرده‌اند. در میان مردان تنها ۲ نفر (حدود ۲٪) تنها زندگی می‌کرده‌اند. در میان مجرمان زن، کسانی که تنها زندگی کرده و مرتکب جرم شده باشند نبوده‌اند. بنابر مطالعه ما، ۳۰ نفر (حدود ۳۱٪) از قاتلان با مقتولان رابطه زن و شوهری داشته‌اند، و ۲۹ نفر (حدود ۳۰٪) با هم خویشاوند بوده‌اند. و تنها ۱۵ نفر (حدود ۱۵٪) با هم بیگانه بوده‌اند، و ۸ نفر (حدود ۸٪) با هم دوست بوده، و ۵ نفر (حدود ۵٪) با هم ارتباط شفلی داشته‌اند.

در میان زنان ۲ نفر (حدود ۲۹٪) با هم خویشاوند بوده، و ۲ نفر (حدود ۲۹٪) با هم هوو بوده‌اند. انواع رابطه‌های دیگر بین مقتول و قاتل در مراتب پایین‌تر قرار گرفته‌اند، مطالعه ما نشان می‌دهد که ۲۹ نفر (حدود ۳۰٪) از مجرمان باز نانشان اختلاف داشته‌اند، و ۱۴ نفر (حدود ۱۴٪) با خویشاوندان خود اختلاف داشته‌اند، و ۵۴ نفر (حدود ۵۵٪) نیز وضعشان نامعلوم بوده است.

بنابر آمار ما بهانه‌های مهم در ارتکاب جرم در وهله اول مسأله ناموسی (با ۱۲ نفر، حدود ۱۲٪) قرار داشته است، در مرحله بعدی اختلاف با همسر (با ۱۱ نفر، حدود ۱۱٪) مسأله مالی و اختلافات خانوادگی هر کدام با ۸ نفر (حدود ۸٪) در مرحله سوم قرار گرفته است، بهانه‌های دیگر در مراحل پایین‌تر قرار دارند. در میان زنان اختلاف با همسایه‌ها (حدود ۲۹٪) در وهله نخستین قرار گرفته است. و پس از آن نامعلوم با (حدود ۲۹٪) قرار دارد، داشتن هوو با (حدود ۱۴٪) در مرحله بعد می‌باشد،

بقیه انگیزه‌های قتل در مراحل پائین‌تر قرار گرفته‌اند .
 مطالعه ما نشان میدهد ۲۰ نفر (حدود ۱۹٪) از مجرمان کارگر
 بوده‌اند . و ۱۵ نفر (حدود ۱۴٪) از صاحبان مشاغل کوچک تشکیل
 شده‌اند .
 ۷ نفر (حدود ۶٪) خانه‌دار (زن) بوده‌اند ، و ۵ نفر (حدود
 ۵٪) زارع و چوپان بوده‌اند . مشاغل نامعلوم با ۴۹ نفر (حدود ۴۷٪)
 قابل توجه است .
 مشاغل دیگر در مراتب پائین‌تر قرار دارند .

نتیجه و تفسیر

۱ - شغل و جرم

بنا بر مطالعه ما که بر روی مجرمان (بیشتر قاتلان) در ایران، در
 سال ۱۳۴۱ انجام گرفته است ، روشن شده که ارتباطی میان گروهی از مشاغل
 و جرم آدمکشی وجود دارد . در مطالعه ما در میان مردان مجرم ، شغل
 کارگری با ۲۰ نفر (حدود ۱۹٪) در ردیف نخست قرار گرفته است ، در
 میان این کارگران ، ۴ نفر نیز کارگران صنعتی بوده‌اند . پس از آن (با
 ۱۵ نفر ، در حدود ۱۴٪) صاحبان مشاغل کوچک (پیشه‌وران) قرار داشته‌اند .
 افزونی شغل کارگری در جرمهای سال ۱۳۴۱ که اکثر آنها را قتل تشکیل
 داده است . ارتباط جرم آدمکشی را با کج رفتاری‌های کارگران بخصوص
 روحیه خاص کارگری روشن می‌کند . ما در مطالعات گذشته در جرمهای
 غیرقتل با صاحبان مشاغل کوچک (پیشه‌وران) وابسته به گروههای طبقات
 متوسط (= خرده‌بورژوازی) سروکار داشتیم . درین مطالعه به‌چنین نتیجه‌ای
 نرسیدیم . ناگفته نماند که در میان زنان مجرم ، شغل اکثریت خانه‌داری
 قید شده است .

۲ - رابطه قاتل با مقتول

بنابر مطالعه ما در قتل‌هایی که در سال ۱۳۴۱ صورت گرفته است ،
 و مردان مرتکب آن شده‌اند ، رابطه زن و شوهری (با ۳۰ نفر از ۹۸ نفر
 (حدود ۳۱٪) در ردیف نخست قرار گرفته است ، پس از آن رابطه قوم و
 خویش (با ۲۹ نفر ، حدود ۳۰٪) قرار دارد . ظاهراً افزونی جرم قتل در
 میان زن و شوهر ، یعنی کشته شدن زنان بوسیله شوهران ، نشانه ضعف رابطه
 زن و شوهری حداقل در میان گروههای معین اجتماعی است ، و اگر
 «آمار رابطه خانوادگی» را هم بان اضافه کنیم آمار جنایت در خانواده به
 (حدود ۶۰٪) می‌رسد .

در وهله اول چنین بنظر میرسد که دلیل قاطع این امر به سستی
 خانواده در جامعه ما یا حداقل به سستی خانواده در میان طبقه کارگر
 مربوط می‌باشد . بخصوص که می‌بینیم حدود ۳۰٪ مردانی که مرتکب جرم
 قتل شده‌اند با عیال خود ، و حدود ۱۴٪ هم با اعضای خانواده خود اختلاف
 داشته‌اند ، و حدود ۳۲٪ از قاتلان با همسر خود و حدود ۵۴٪ هم با خانواده
 خود زندگی می‌کرده‌اند ولی با کمی دقت در عوامل نامرئی روشن می‌شود ،
 که امر تعصب در میان کارگران و بخصوص روحیه طبقاتی کارگری بیش
 از سستی خانواده در امر قتل مؤثر بوده است . (رجوع بتوضیحات بعدی)

در میان زنان مجرم بیشتر جنایت‌ها در میان مادر و دختر با (حدود ۲۹٪)، و در میان هووها با (حدود ۲۹٪) صورت گرفته است زنائیکه شوهران خود را کشته‌اند با (حدود ۱۴٪) در ردیف بعدی قرار گرفته‌اند.

۳ - انگیزه‌هاییکه سبب جرم شده‌است :

در مطالعه ما ، در میان مردان مجرم مسأله ناموسی با (حدود ۱۲٪) و پس از آن اختلاف با همسر (حدود ۱۱٪) از بهانه‌های مهم جنایت در ایران بوده است ، و پس از ایندو اختلاف خانوادگی ، و مسأله مالی که ریشه اصلی آن روشن نیست قرار گرفته است . و ۳۱٪ از علل زاهم که سبب جرم شده است نامعلوم گزارش داده‌اند و ممکن است اختلاف با همسر و ماجرای عشقی ، و موارد دیگر اختلافات خانوادگی هم باریشه تعصب و مسأله ناموسی مربوط باشد . متأسفانه کمی اطلاع ما از ریشه بهانه‌هاییکه منجر به جنایت گردیده مارا از تفسیر بیشتری باز میدارد . در میان زنان اختلافات همسایگی در درجه اول قرار دارد ممکنست این امر از بیکاری خاص زنان ، و از ضعف رابطه همسایگی در جامعه ما ناشی شده باشد.

سواد و جرم

اطلاع ما از وضع سواد مجرمان بسیار اندک است . ۷۹٪ از مجرمان از جهت سواد نامعلوم گزارش شده‌اند ، و بهمین جهت نمی‌توان نتیجه‌ای از آن بدست آورد .

تأهل و جرم

بنابر مطالعه ما در حدود ۴۶٪ از مجرمان مرد ، متأهل بوده‌اند ، ولی رقم نامعلوم با حدود ۳۵٪ نیز فراوان است در میان زنان حدود ۴۳٪ متأهل بوده‌اند . رقم نامعلوم با حدود ۲۹٪ نیز در میان زنان مجرم قابل ملاحظه است . گرچه فزونی «نامعلوم‌ها» مارا از نتیجه‌گیری قطعی باز میدارد ، ولی شاید در مورد خاص زیر بتوان گفت که فزونی رقم متأهلان در ارتکاب جرم ممکنست با عمومیت و پیش‌رسی (در حدود ۲۸٪ مردان در سنین کمتر از ۳۹ سالگی متأهل می‌شوند) ازدواج در سنین پائین (حدود ۴۶٪ مردان مجرم ، و حدود ۴۳٪ زنان مجرم متأهل بوده‌اند) جامعه ما مربوط باشد .

سن و جرم

بنابر مطالعه ما بیشتر جرمها برای زنان (حدود ۴۳٪) در سنین پائین (گروه سنی ۲۰-۳۹) صورت گرفته است . مردان نیز در همین گروه سنی (حدود ۲۴٪) مرتکب جرم شده‌اند . افزونی رقم نامعلوم‌ها برای زنان (حدود ۲۹٪) و برای مردان با (حدود ۵۶٪) مارا از نتیجه‌گیری قاطع باز میدارد ولی چون حدود ۹۷٪ جرم‌ها را قتل تشکیل میدهد و تقریباً حدود نصف مجرمان نیز متأهل بوده‌اند . ممکنست ادعا کرد که برای آدم‌کشی (جنایت) در ایران عامل بی‌زنی (از جهت حرمان عاطفی) ، و عامل جوانی (از جهت عدم تشکیل خانواده) عوامل قطعی نبوده است .